

# طلوع



کتابخانه علمی سخنوری طلوع فرهنگیان  
شماره چهارم - آذر ۹۷



دوره دانشجویی که به فردای بهتری می‌انجامد



و اینک

دانشگاه...!!؟

محمد جواد عرب، مدیر مسئول نشریه طلوع



عصر امروز، عصر گفتگو میان فرهنگ و تمدن است. مهم‌ترین موضوع در ارتباط ای نقش است که مردم به‌نگام گفتگو با یک دیگر ایفا می‌کنند و به یک دیگر واکنش‌های مناسب نشان می‌دهند. این سرزمانی به کاری آید که هم در زبان بدن و هم در کلام افراد هویدا گردد. یک گفتگو زمانی خوب است که همه‌ی افراد حاضر در آن، از لحفاشان لذت ببرند این که به میدان نبرد تبدیل گردد. در واقع مثل گزینش رویارویی و تقابل بجای گفتگو و تعامل است. آن چه پیش روی شماست، تلاشی است برای به رسمیت شناختن آگاهی و منطق کرای، حذف نفرت و کینه و رویش گفتگو و سخن در همه ابعاد زندگی ما. بیاییم به دور از هرگونه غرض یا نفع شخصی، گروهی یا بانندی بجای طرد اندیشه، طرح اندیشه، بارادستور کار قرار دهیم. سخن آخرین که هر کس حق دارد متفاوت با کس دیگری فکر کند، عمل کند... پس بیایید به عقاید هم احترام بگذاریم.



دانشگاه فرهنگیان، خیلی مهم است. همه  
فرآیندهایی که منتهی می شود به جذب  
معلم، برای تدریس و برای تعلیم و  
تریت، بایستی سالم و با معیار اسلام و  
انقلاب سنجیده شود.



اگر این کار را کردیم، نتیجه همان چیزی خواهد بود که شما می خواهید؛ هم مورد  
رضای خدا خواهد بود و هم برای آینده کشور مولد یک نسل با عظمت و  
امیدبخش خواهد بود؛ اگر این رعایت ها نشود، نه.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مسئولان و دانشجومعلمیان

دانشگاه فرهنگیان ۱۳۹۷/۲/۱۹





گامنامه پرویس شهید رجایی سمنان ۴

# طلوع

نشریه علمی، سخنوری طلوع فرهنگیان

شماره چهارم / آذر ۹۷

صاحب امتیاز: کانون گفتگو و نقد

مدیر مسئول: محمدجواد عرب

سردبیر: امیرحسین خیبری

دبیر هیئت تحریریه: ابوالفضل کاشانی

هیئت تحریریه: کمیل گل‌هاشم، مهدی جان‌محمدی،

علیرضا عبدی

طراح جلد، گرافیک و صفحه آرایی: محمد مهدی

منصوریان

روابط عمومی: محمدجواد عرب و کمیل گل‌هاشم

ویراستار: علیرضا عبدی، ابراهیم عمو احمدی

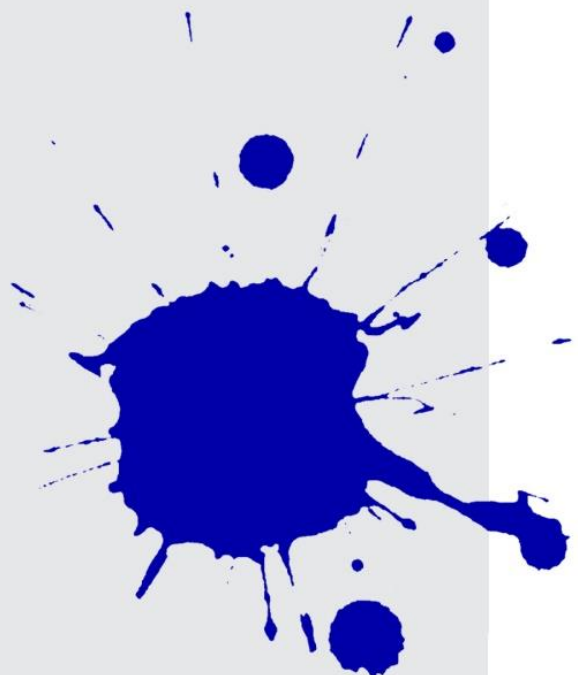
مصاحبه: محمدجواد عرب، امیرحسین خیبری

## باتشکر ویژه از:

نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه فرهنگیان سمنان

دکتر ابراهیم حیدری لقب، دکتر محسن لشنی، استاد مهران نصیری

محمد حسین دهقان بنادکی





# فهرست

۱/ سخن سردبیر

۲و۳/ جایگاه آموزش و پرورش در پروژه نفوذ دشمن

۴/ بنیان‌های تربیت معلم فکور در بنای کارورزی

۵/ دانشجو موذن جامعه

۵/ عکس شهدا یا عکس شهدا؟!

۶و۷/ خوابگاه و چالش‌های پیش‌روی آن

۸/ ریسمان خدا

۹/ لطفا سیب زمینی نباشیم!

۱۰/ مهارت‌های زندگی

۱۱/ عروسک زنده!

۱۲و۱۳/ گولی به نام کنکور

۱۴و۱۵/ صفر تا صد دانشگاه فرهنگیان

۱۶/ ایمان یا تعهد اجتماعی؟!

۱۷/ زالو، غم‌خوار یا خون‌خوار

۱۸و۱۹/ تحولات سینما از دیدگاه عابدی

۲۰/ برترین‌های عرصه معلمی

۲۱/ بام ایران

۲۲و۲۳/ غروب







بیان کننده عقیده و مسلک تمامی اعضای نشریه طلوع نیست. لازم به ذکر است که طلوع فقط یک نشریه نیست بلکه حیطه های فعالیت طلوع برگزاری برخی مراسم ها طراحی و اجرای مسابقات دانشجویی، پایه گذاری گروه های نقد فیلم و گروه کتابخوانی و غیره را نیز در بر می گیرد. مطلب پایانی این که آموزش و پرورش حیاتی ترین و آرمانی ترین نهاد یک جامعه است. از این رو نشریه علمی سخنوری طلوع برای دانشجو معلمان مطالبی موجز و مفید در رابطه با دانشجو و دانشگاه و مسائل مربوط به آن تدارک دیده، تا قدم کوچکی در جهت رشد و شکوفایی آموزش و پرورش باشد.

و من الله توفیق و علیه التکلان

امیرحسین خیبری / آذر ماه ۹۷



کاین طلوع عاشقان برو قمر فرنگیان،  
هست صاحب خانه ای بجانب و آن دیگران

بامحبت دارم از دل صد سلام و صد درود  
خدمت جانان جان، آن دوستان نورود

ای تو دانشجوی کشور، ای نهال آرزو...  
باشجاعت "هر چه می خواهی دل شکست بگو"

صد مبارک باد و تسنیت بگو ای برویا...  
روز دانشجوست خب! تجلیل و تکریمی ما

فرصتی دست داد تا به بهانه انتشار نشریه با خوانندگان عزیز به گفتگو بپردازم...  
در این راه، با نظر به وجود نشریات مختلف و متنوع و این که در عصر ارتباطات آشنایی و دسترسی به اطلاعات در دنیای مجازی به سرعت غیرقابل باوری رسیده است، منتشر کردن نشریه ای که گاهنامه است با اما و اگرهای فراوانی روبرو است...

این دومین سالی است که بچه های فعال و خوش ذوق دانشگاه فرهنگیان دور هم جمع شدند و گروهی تشکیل شده است که دانشجو معلمان پردیس شهید رجایی سمنان را کمی از مسائل و اعداد و ارقام و چهارچوب های بسته دور کند و به همت تلاش جمعی مطالبی تازه، طلوع کند. همچنین تمامی مطالبی که به چاپ می رسد صرفاً بر اساس ایده نویسنده بوده و

بسم الرحمن الرحیم، آن الله و آن حکیم...  
آن علیم و آن عظیم و آن حمید و آن حلیم

چارمین نوبت رسید از آن طلوع بی غروب  
اولیم و بی رقیب اندر شمال و بهم جنوب

می کنم من بادی آکنده از اندوه و غم  
یاد آن یاران فارغ کشته از تحصیل هم

ای تو پرچاره دانش، ای مهارت جوی علم  
ای تو دانشجو معلم ای نبی عشق و علم





نفوذ، در لغت به معنای فرو رفتن تیر در نشانه و بیرون آمدن آن از طرف دیگر، اثر کردن و جاری بودن امر و حکم می باشد. هدف آموزش و پرورش، به حرکت درآوردن فرآیند توسعه همه جانبه بشر است، با فعالیت مداوم، جامع و برای همه، در جهت رشد و تکامل انسان، غنای فرهنگ و تعالی جامعه. آموزش و پرورش درطول زندگی وجود دارد، زیرا باید همزمان با هر تغییری مهم که در زندگی رخ می دهد راه های جدید اندیشه را بیاموزیم. جرج نلر، یکی از مشهورترین فلاسفه معاصر در علوم تربیتی در کتاب انسان شناسی تربیتی از قول براتیسلا و مالینوفسکی می نویسد: آموزش و پرورش در حکم نظام آموزشی جزو یکی از موسسه های فرهنگ آموزی به حساب می آید. سایر موسسات عبارت اند از: گروه همسالان، پایگاه های دینی و مذهبی، رسانه های گروهی که هریک ارزش ها و مقاصد خاص خود را دارند. آموزش را در زمینه فرهنگ و زندگی، باید به صورت کل بنگریم، با این نگرش مربی و انسان شناس باید باهم کارکنند، قاعده این است که مربی به اندازه یک انسان شناس از جریان و مباحث فرهنگی آگاه نیست. این درحالی است که توجه

عده کمی از انسان شناسان هم فقط به جنبه های فرهنگی آموزش و پرورش معطوف شده است. نفوذ در بدنه فرهنگی و آموزشی نظام و جذب عناصر مستعد به عنوان اولین اقدام، مدنظر طراحان استحال فرهنگی می باشد. اینان تلاش می کنند در حرکتی خزنده و تدریجی، لیکن گسترده و همه جانبه، هر جا که امکان نفوذ میسر است به این مهم اقدام کنند و در این راه سعی می نمایند، برای جلوگیری از حساسیت ها و برملا شدن اهداف و نیات پلیدشان، با چهره ای کاملاً غیرسیاسی خود را معرفی کنند. هدایت گران و عاملان تئوری نفوذ درصدد هستند تا هر جا که اثری از تسامح، تساهل، تغافل، تجاهل، خوش باوری و ساده لوحی به عنوان هدف برگزینند و پس از یافتن بستری مناسب، آرام آرام اما هوشمندانه و با سازماندهی قوی تدریجاً ملاک ها و معیارهای خود را القا کنند و مجموعه مورد نظر را به سوی اهداف از پیش تعیین شده ببرند. در همین مورد عناصر بنیادکیان اظهار دارند: باتوجه به نفوذی که در نظام صورت گرفته است. این روند به صورت جایگزین شدن افراد رو به پیشرفت

است و هرگونه تظاهر به فعالیت های علنی به لحاظ امکان تغییر وضع فعلی خیانت محسوب می شود.

**انواع نفوذ از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی:**

نفوذ امنیتی، نفوذ اقتصادی، نفوذ سیاسی و نفوذ فرهنگی.

**وظیفه معلم در مقابل نفوذ:**

امروزه پژوهشگران انگیزش در کلاس درس، بر نقش معلم و تاثیر او در رشد جهت گیری های انگیزش دانش آموزان تاکید می کنند. ایمس وایمس، عقیده دارد که انگیزه های مختلف کودکان و دانش آموزان قوی تحت تاثیر اهداف و ارزش هایی قرار می گیرند که بوسیله معلم در کلاس بیان می شود. بی شک نهاد آموزش و پرورش که از مدرسه تا عالی ترین سطح تحصیلات دانشگاهی را در بر می گیرد، نقشی حیاتی در بیداری فرهنگی یک جامعه اسلامی دارد. مقام معظم رهبری به این نکته حساس در هدف فشار دشمن در جبهه نظامی، سیاسی و اقتصادی، ایجاد فقر، بیانات خویش اشاره کرده و فرموده اند که ضربه زدن در جبهه فرهنگی را عنوان کرده اند.



- اگر آمریکا به این نتیجه برسد که می‌توان آموزش و پرورش ایران را چنان تغییر داد که در چند سال آینده از انقلاب خبری نباشد، دیگر اصراری بر محاصره اقتصادی خود نخواهد داشت.
- اهداف و پیامدهای نفوذ دشمن از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی:**
- ۱- استحاله فرهنگی و فکری، که به انحراف افکار عمومی منجر می‌شود.
  - ۲- استحاله سیاسی با هدف ناکارآمد جلوه دادن نظام هدف و ارکان آن
  - ۳- دامن‌زدن به ترس از جنگ و دامن زدن به جو بی‌اعتمادی و تشدید ناامنی روانی
  - ۴- اختلاف‌افکنی در صفوف مردم و در راستای تجزیه سیاسی کشور
  - ۵- ترویج روحیه یأس و ناامیدی به جای تقویت نشاط اجتماعی و احساس بالندگی از پیشرفت‌های کشور و ضربه به روحیات جوانان
  - ۶- بی‌تفاوت کردن نسل جوان کشور در قبال مسائل مهم و حساس
  - ۷- حرمت‌شکنی و هجمه به ارزش‌ها و باورهای دینی
  - ۸- ریزش نیروهای انقلاب و نظام
  - ۹- ایجاد شکاف در بین نهادها و ملت‌ها
  - ۱۰- تحمیل هزینه‌های اقتصادی
- ۱۱- زیر سؤال بردن نهادهای قانونی با انجام اقدامات غیرقانونی
- ۱۲- تلاش برای ایجاد نگرانی در حامیان و وفاداران به انقلاب اسلامی و نظام و خاموش کردن روحیه جهاد و کوشش در صحنه‌های انقلاب و میدان سازندگی.
- ۱۳- باج‌خواهی
- ۱۴- ساختارشکنی و القای تشویش و تردیدهای ذهنی
- ۱۵- جدایی دین از سیاست
- مهم‌ترین روش‌های مقابله و مبارزه با نفوذ دشمن:**
- ۱- شناخت ریشه‌ها و از بین بردن ریشه‌های فکری و عملی نفوذ
  - ۲- پیشگیری قبل از بروز
  - ۳- تقویت فکری و فرهنگی جریان‌هایی است که نقش رهبری و هدایت جامعه را بر عهده دارند.
  - ۴- گوش سپردن به نظرات افراد و نخبگان
  - ۵- بالا بردن سطح بصیرت و بینش در آحاد جامعه
- و رسوم یک ملت است. فرهنگ زیربنای اعتقادات و موضع‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی حاکمان آن کشور است.
- آموزش و پرورش رکن و پایگاه اصلی پاسبان فرهنگ اسلامی-ایرانی در مقابل توطئه و نفوذ دشمن است. هدف اصلی دشمنان انقلاب اسلامی از نفوذ در بدنه آموزش و پرورش نظام، تحمیل اراده می‌باشد. نکته مهمی که همه ما به آن باید توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان، قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهان‌خواران تا کی و کجا، ما را تحمل می‌کنند؟ و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند؟ به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی والهی را نمی‌شناسند و به گفته قرآن هرگز دست از مغالطه و ستیز با شما برنمی‌دارند، مگر اینکه شما را از دینتان برگردانند.
- فرهنگ، دژ حیات یک ملت است که برفراز قله هستی یک ملت بنا می‌شود. فرهنگ ماندگارترین وجه زندگی بشر است و در تعریف آن باید گفت: فرهنگ عبارت است از مجموعه‌ای از معارف، اعتقادات اخلاق و آداب





محسن

بنامه‌ی تربیت معلم  
نقور در بنام کارورزی

فارغ التحصیل دکتری جبر دانشگاه علم و صنعت تهران  
عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان سمنان  
سردبیر روزنامه کیهان در استان سمنان  
نویسنده کتب و مقالات متعدد

این پروژه عظیم باید با منابع عظیم مالی و انسانی آن سازگار باشد. ظرفیت عجیب اثرپذیری و اثرگذاری دانشجو معلم در مدرسه باید دیده و سنجیده شود. تولید محتوای مناسب با مطالعات تطبیقی تربیت معلم از ضروریات انکارناپذیر کارورزی است. آری کارورزی از جنس تجربه و عمل است. همان تجربه‌ای که بنا به فرمایش معلم عالم، علی (ع) بالاتر از علم است و همان علمی که امیر المومنین نقطه تفکر می داند و می فرماید: «لا علم و کالتفکر».

به قول معروف، معلم فکور در فرآیند یاددهی-یادگیری قبل از هر عمل، حین هر عمل و پس از هر عمل تامل می کند. معلم فکور رودی است خروشان که در منزلگاه رفتار ساکن نمی ماند و از گذرگاه شناخت می گذرد تا در جریان فراشناخت جاری شود، تا در مقصد مقصود و ساحل محبوب آرام گیرد. «دانشجو معلم فکور هم کارآموز است و هم کارورز و هم کارآفرین.» کارورزی، در نظر سکانشان تربیت معلم در دهه اخیر با تعابیر پرمعنا و دلربایی چون «تاج برنامه تربیت معلم»، «رستم شاهنامه تربیت معلم»، «شاه کلید تربیت معلم»، «گرانیگاه تربیت معلم»، «بزرگترین آزمون و بزرگترین پروژه دانشگاه تربیت معلم» و «ستون فقرات و حلقه اتصال برنامه درسی تربیت معلم» مورد تکریم و تمجید قرار گرفته است. لذا شناسایی فرصت ها، آسیب ها، چالش ها و راهکارهای کارورزی واجب عینی است. خروجی

تربیت معلم در گذر زمان به ترتیب با سه رویکرد مهارتی، علمی-کاربردی و معلم فکور همراه بوده است. در رویکرد نخست، معلم آن گونه آموزش می دهد که آموزش دیده است، یعنی یادگیری تقلیدی، البته از گنجینه گران بهای مهارت های گذشتگان. معلم خوب در رویکرد علمی-کاربردی، دانا به نظریات صاحب نظران و توانا در به کار بردن نظرات آنهاست. یعنی همچنان معلم مغلوب تقلید است. در تربیت معلم فکور، تولید بر تقلید غلبه پیدا می کند، یعنی یادگیری اکتشافی. بنا به قول صاحب نظری او از تجربه نمی آموزد، بلکه از تامل به تجربه می آموزد. بدیهی است که معلم فکور در حال، به گذشته و آینده می اندیشد. او با تامل یاد می گیرد که چگونه بهتر یاد می گیرد. معلم فکور جوینده می آفریند تا جوینده، خود یابنده شود، تشنه می سازد تا تشنه، خود سیراب شود و بنا







کمال گل هاشم  
\_ دانشجوی علوم تربیتی پردیس  
شهید رجایی سمنان  
\_ عضو هیئت تحریریه نشریه طلوع  
\_ عضو باشگاه خبرنگاران جوان



سلح فاض  
\_ دانشجوی مشاوره  
پردیس شهید رجایی سمنان

## دانشجو نموده جامعه

دانشجو، موذن جامعه است. اگر خواب بماند، نماز امت قضا می شود.

پس از سقوط رضاخان، فضای سیاسی بازتری در اختیار عامه مردم قرار گرفت و احزاب مختلف هم توانستند فعالیت‌های خود را گسترش دهند. در این میان، «حزب توده» از نفوذ بیشتری در میان جوانان برخوردار بود و گفته می‌شود بیش از نیمی از دانشجویان دانشگاه تهران عضو این حزب بودند، اما با فرا رسیدن دهه ۳۰ و افزایش محبوبیت دکتر مصدق جوانان گرایش بیشتری به جبهه ملی پیدا کرده و محبوبیت حزب توده به چالش کشیده شد. پس از کودتای سیاه ۲۸ مرداد و عزل دکتر مصدق سازمان‌های تشکیل دهنده جبهه ملی تحت عنوان یک ائتلاف بسیار ضعیف با نام نهضت ملی به اقدامات سیاسی پرداختند و اعتراضات پراکنده‌ای را نیز شکل دادند. که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به اعتراضات پاییز همان سال در بازار و دانشگاه تهران اشاره کرد. چندین هفته بعد، اعلام شد روابط ایران و انگلستان که در زمان مصدق منقطع شده بود دوباره از سر گرفته خواهد شد و «ریچارد نیکسون» معاون رئیس‌جمهور وقت آمریکا به ایران سفر خواهد کرد. همین موضوع بهانه‌ی مناسبی برای شروع اعتراضات بود و دانشجویان فعال به سخنرانی در دانشگاه پرداختند و ناآرامی، کاملاً در فضای دانشگاه مشهود بود. دولت وقت برای پیشگیری از هر گونه ناآرامی به طور گسترده نیروهای امنیتی را روانه دانشگاه تهران نموده و

اینان همان‌هایی هستند که خون شهدا را پایمال می‌کنند... موجب براندازی این نظام می‌شوند. چرا...؟ فقط به این دلیل که خودشان و اطرافیانشان نفع ببرند... زیرا ذره‌ای از خودگذشتگی و ایثار و گذشت را در خود ندارند... افرادی که طمع‌کار هستند و فقط خود و خانواده‌شان را می‌بینند...

مردم به این نظام اعتماد کردند و به شما رای دادند، اما از این اعتماد مردم سوءاستفاده کردید... انسان بایستی قانع باشد... چرا مدیری که ماهی ۸۰ میلیون تومان حقوقش است؟ باید ماهیانه ۴۰ میلیون پاداش بگیرد تا درآمدش به ۱۲۰ میلیون تومان برسد؟

به راستی این پولها از کجا می‌آید... چرا مدیران ارشد کشور با اختلاس‌های چند صد میلیاردری دارایی کشور را به تاراج می‌برند و آب از آب تکان نمی‌خورند... آیا شما به مردم زلزله‌زده کرمانشاه هم سری زده‌اید؟ آیا دیده‌اید که شب‌ها در چادرها و بر روی سنگ و کلوخ می‌خوابند؟ آیا دیده‌اید که وسایل گرمایشی در این سرمای طاقت‌فرسای غرب کشور ندارند...؟ آیا قطره‌ای از اشک‌های یک طفل معصوم را که دلخوشی‌هایش خوردن یک میوه است دیده‌اید؟ خیر. چرا که شما خودتان را نگاه می‌کنید و خودتان را... ذره‌ای گذشت در وجودتان نیست و حقوق‌های نجومی می‌گیرید و اختلاس می‌کنید آن وقت دم از شهدا می‌زنید... شهدا این را می‌خواستند...؟

شما، عکس شهیدان را برای ریا در اتاق هایتان زده اید... اما... اما... اما عکس شهدا عمل می‌کنید...

این نیروها صدها دانشجو را دستگیر و زخمی نمودند. آن‌ها در دانشکده فنی اقدام به شلیک گلوله نمودند که موجب کشته شدن سه دانشجو به نام‌های «احمد قندچی»، «مصطفی بزرگ‌نیا» و «مهدی شریعت‌رضوی» شدند. فردای آن روز نیکسون به تهران آمد و دکترای افتخاری حقوق را در میان حلقه‌ای از محافظان دریافت نمود. ۱۶ آذر که مرکز اجتماع و مباحثه مخالفان حکومت پهلوی در خارج از ایران بود، روز دانشجو نامیده شد. دانشجویان پس از آن، هر سال در این روز اعتصاب‌های دانشجویی به راه می‌انداختند و در واقع ۱۶ آذرماه به معیار خوبی برای ارزیابی میزان نفرت از حکومت استبدادی و توانایی و نفوذ مخالفان در بین روشنفکران، تبدیل شد. این روز از آن زمان، همچنان از اهمیت تاریخی برجسته‌ای در ایران برخوردار بوده است.

## عکس شهدا عکس شهید

نظام جمهوری اسلامی ایران متشکل از دولت و ملت آن است... همین ملت بودند که قیام کردند و این انقلاب و نظام شکل گرفت... برای برپایی این انقلاب شهید چمران‌ها و باکری‌ها داده‌ایم تا به اینجا برسیم... کشوری که در امنیت تمام به سر می‌برد و عده‌ای قدر این نعمت الهی را نمی‌دانند... با این وجود، افرادی هستند که موجب بی‌اعتمادی به این نظام و جمهوری اسلامی می‌شوند... با عملکردهایشان با کارهایشان...

با رفتاری که نه تنها به خود، بلکه کل جامعه و افراد آن و نظام از آن متضرر خواهند شد.





محمد امین رستی

خوابگاه، در لغت به معنای جای خوابیدن، اتاق خواب، تخت‌خواب است و خوابستنی هم گفته می‌شود. محیط، مفهومی است پیچیده و مرکب که دارای ابعاد گوناگونی است. داده‌های فضایی، جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، فیزیکی، معماری، نمادی، جغرافیایی، تاریخی و زیستی از ابعاد مهم محیط به شمار می‌روند. رفتار و تجارب انسان را نمی‌توان بدون توجه به شرایط محیطی و جداگانه مورد بررسی قرارداد.

یکی از محیط‌های موثر در زندگی افراد، محیط خوابگاه است که نقش به‌سزایی در پیشرفت فرد می‌تواند ایفا کند. مسئله ادامه تحصیل و رشد و ارتقای علمی، یکی از نیازهای رو به رشد جوامع امروزی می‌باشد که جوانان مستعد و پر تلاش را به سمت و سوی خود جذب کرده است. از آنجا که دانشگاه‌ها در مراکز شهرهای بزرگ قرار دارند و از طرفی تنوع رشته‌ای به حدی است که امکان ارائه آن در همه دانشگاه‌ها نیست، بلکه هر دانشگاهی تعداد محدودی رشته را ارائه می‌نماید، چاره‌ای جز ترک شهر و دیار نیست. در اکثر دانشگاه‌ها، خوابگاه‌هایی پیش‌بینی شده که محل استقرار

دانشجویان غیربومی می‌باشد و این یعنی زندگی به فرهنگ‌های مختلف، آداب، رسوم، گویش و پوشش متفاوت، خوابگاه را به محل تبلور و تظاهر انواع و اقسام فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها تبدیل می‌کند. یکی از امکانات و ویژگی‌های مهم دانشگاه، ارتباط و تعاملات افراد مختلف از فرهنگ‌ها و خانواده‌های متفاوت است. چنین فضایی به ویژه در خوابگاه‌ها، باعث رشد توانایی‌ها و مهارت‌های ارتباطی فرزندان می‌شود که به اندازه درس دانشگاهی ارزش دارد. دانشجویان در بسیاری از موارد، بهترین کمک‌ها و حمایت‌ها را چه در زمینه امور درسی و چه در زمینه مسائل و مشکلات از یکدیگر دریافت می‌کنند.

خوابگاه محیطی است که بیشتر دانشجویان آن را تجربه می‌کنند. بودن در خوابگاه علاوه بر این که به معنی دوری از خانواده و شبکه روابط قبلی فرد است، ممکن است شرایطی را بر فرد تحمیل کند. از سوی دیگر این امکان وجود دارد که محیط خوابگاه به دلیل حضور افراد همسان و جو علمی حاکم بر آن، برای فرد یک منبع حمایتی باشد. عواملی چون ارتباطات افقی بین دانشجویان،

مشارکت آن‌ها در کانون‌ها و تشکل‌های دانشگاهی، حمایت‌های اجتماعی، روانی و مالی می‌تواند زمینه‌های قابلیت‌های روانی دانشجویان خوابگاهی را به عنوان سرمایه‌های اجتماعی، ارتقا دهد.

### چالش‌های پیش‌روی خوابگاه‌ها:

۱- کمبود و نقص در امکانات عمومی و رفاهی:

ممکن است امکانات عمومی و رفاهی را جز آسیب‌های اجتماعی ندانست، اما وضعیت موجود تاثیر بسیاریزادی بر بسیاری از آسیب‌های اجتماعی گذاشته است. این دسته از کمبودها هم شامل اتاق دانشجویی می‌شود و هم شامل محیط‌های دیگر، در واقع اولین و مهم‌ترین فضا در مجتمع‌های خوابگاهی و اقامتی موقت، حوزه شخصی و واحد اختصاصی زندگی فرد می‌باشد، چه در حد یک اتاق چندنفره و چه آپارتمانی کامل و مستقل که می‌بایست امکاناتی برای پاسخگویی به نیازهای فردی را دارا باشد.

۲- تراکم بالای جمعیت ساکن در هر اتاق:

فضای خوابگاه باید برای انجام فعالیت‌های مختلف اجتماعی ایده



آل باشد تا دانشجویان مایل به بازگشت به محیط خوابگاه باشند، همچنین عواملی که باعث می‌شود فرد به سوی یادگیری برود از جمله: اجرای برنامه های شاد و مثبت، انگیزش دانشجویان، اجرای برنامه های تفریحی متناسب با نیاز دانشجویان و غیره مهیا شود و نیز فضای خوابگاهی باید طوری باشد که افراد آن را مانند خانه خود احساس کنند، نیازهای فردی دانشجویان را برآورده کند، اتاق دانشجویی باید متناسب با نیازهای دانشجویان طراحی شود و نه به عنوان محلی برای خواب.

**۳- وجود تفاوت های فرهنگی:** به عبارت دیگر، گسترش مراکز آموزشی و پذیرش دانشجو از مناطق مختلف باعث انتقال فرهنگ و خرده فرهنگ ها به یک مکان می شود. این پدیده عواقب گوناگونی دارد که در کوتاه مدت موجب افزایش ناهمگنی فرهنگی در مناطق مختلف شده و حتی می تواند تعارض هایی نیز در پی داشته باشد.

**۴- وجود انواع محدودیت ها:** این مسئله اشاره به محدودیت های خوابگاه نسبت به زندگی در منزل دارد. این محدودیت ها موارد بسیار

را شامل می شود. از جمله: محدودیت در زمان خروج و ورود، محدودیت در دعوت مهمان، محدودیت در جا و غیره، که باعث رنجش دانشجویان می شود. راهکارهایی برای بهتر کردن وضعیت خوابگاه های کشور به منظور بهبود عملکرد دانشجویان:

**۱- توجه به جنبه های عاطفی و احساس تعلق به مکان:** از نظر عاطفی می توان گفت که خوابگاه با ایجاد احساس تعلق به محیط جدید، می تواند تا حدودی جای خالی خانواده را پر کند. از طرفی داشتن اتاق ایده آل به دانشجو در مقابل احساس ناامنی ناشی از زندگی در شهرهای غریب، احساس امنیت می دهد. بنابراین نقش طراحی محیط خوابگاهی در پیشگیری از بحران های عاطفی و ناهنجاری های رفتاری بسیار اساسی است.

**۲- آموزش معنای حریم شخصی:** حریم خصوصی به عنوان یک فرآیند عمومی در همه فرهنگ ها رخ می دهد، اما در بین فرهنگ های مختلف، ساز و کارهای رفتاری که برای تنظیم میزان مطلوب حریم خصوصی استفاده می شود، متفاوت است.

**۳- توجه به خوابگاه به عنوان یک محیط آموزشی:** به کمک یادگیری انسان قادر به انجام کارهایی است که پیش از آن، هیچگاه برایش عملی نبوده است. یادگیری ظرفیت انسان را افزایش داده و به او کمک می کند که بخشی از فرآیند تاثیرگذار محیط خود باشد. دنیای امروز با به وجود آمدن مشاغل جدید در جامعه، نیاز به ایجاد محیط یادگیری غیررسمی بیش از پیش احساس می شود. برنامه های رسمی و متداول در کلاس ها بیشتر متوجه پرورش حافظه و به کار بستن قوای ذهنی افراد است و به رشد جنبه های عاطفی و اجتماعی افراد توجه چندانی ندارد. محیط، نقش بسازی در تعاملات فردی و اجتماعی افراد دارد. از آنجا که هر فرد به احتمال زیاد به دانشگاه می رود و این دانشگاه ها در شهرهای دیگر قرار دارند، تجربه محیط خوابگاه برای دانشجویان امری اجتناب ناپذیر است. برای بهبود عملکرد دانشجویان بهتر است سرپرستان محترم خوابگاه، آیین نامه انضباطی خوابگاه را تصحیح نموده، از دانشجویان در امور خوابگاهی استفاده کنند.





آنچه امروز در درجه‌ی اول اولویت برای دنیای اسلام قرار دارد، وحدت است. "مقام معظم رهبری" مسلمانان فرهنگ مشترکی داشته‌اند و از یک نوع جهانی‌بینی برخوردار هستند. همه‌ی آن‌ها خدای‌یگانه را می‌پرستند و به نبوت رسول اکرم ایمان دارند. کتاب همه قرآن و قبله آنان کعبه است. مسلمانان باهم و مانند هم حج می‌گزارند و مانند هم نماز می‌خوانند و مانند هم روزه می‌گیرند و... و جز در امور جزئی، با هم اختلاف چندانی ندارند.

برای وحدت شیعه و سنی در طول تاریخ تلاش بسیاری شده‌است که اگر بخواهیم اجمالاً به آنها اشاره کنیم، می‌توانیم از تلاش‌های عبدالجلیل قزوینی یکی از متفکرین شیعه که حوالی ۵۶۰ هجری قمری در ری می‌زیسته یاد کنیم. وی در کتاب "النقص" برخی عقاید افراطی خلفا درباره شیعه نقد و برخی از نظرات تشیع را به لحاظ سیاسی معتدل می‌کند.

البته این تلاش‌ها با کارهای خواجه نصیرطوسی در زمان وزارت خود ادامه یافت که تعدادی از علمای شیعه و سنی را گردآورده و بدون اجحاف اجازه انتشار اندیشه‌هایشان را می‌دهد. شاگرد وی علامه حلی نیز برای کم‌کردن دامن این اختلافات تلاش بسیاری کرده‌است.

در زمان معاصر این تلاش‌ها با همکاری آیت‌الله بروجردی بنیانگذار حوزه علمیه قم و حاج‌شیخ عبدالمجید سلیم‌رئیس دانشگاه الازهر پیگیری شد. شاید نقطه‌عطف این تلاش‌ها را به توان انقلاب اسلامی ایران دانست که در آن بهترین شاگرد آیت‌الله بروجردی یعنی امام خمینی با مطرح کردن هفته وحدت که از میلاد حضرت رسول آغاز می‌شود بسیار برای وحدت تلاش نمودند.

همچنین رهبر کنونی انقلاب اسلامی با تاسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در سال ۱۳۶۹ شمسی، با هدف تلاش برای آشتی دادن مذاهب مختلف اسلامی و ایجاد تقریب بین دیدگاه‌های آنان در راه وحدت قدم بزرگی را برداشتند. دبیرکل کنونی مجمع محسن اراکی است.

اما بحث وحدت شیعه و سنی برای اتحاد جهان اسلام در برابر قدرت‌های استعماریه که با شعار تفرقه بینداز و حکومت کن به دنبال گسترش اختلاف بین مذاهب بودند در سال ۵۷ از سوی امام مطرح گردید.

اما در پایان اگر بخواهیم به عواملی که باعث شده با گذشت ۴۰ سال از انقلاب این وحدت به‌طور کامل بین مسلمانان جهان ایجاد نشود اشاره کنیم دو عامل اساسی را می‌توان در نظر گرفت:

۱. ریشه‌ی عمیق این اختلاف در طول تاریخ می‌باشد که این پیام را به ما می‌رساند که باید عمیق‌تر کار کنیم تا این مشکل را بتوانیم ریشه کن کنیم.

۲. عامل دوم که در این زمان بسیار مهم‌تر است وجود وهابیت در جهان اسلام است که رسیدن به وحدت را عملاً غیرممکن کرده است. پیش از وهابیت علمای شیعه در مقابل اندیشمندان جامع‌الازهر سعی می‌کردند به لحاظ فکری راهی برای حل اختلاف بیابند. اما وهابیت مانع شد. وهابی‌های نسل اول در سال ۱۲۱۶ بعد از به قدرت رسیدن، به نجف و کربلا حمله کردند و وهابی‌های عصر دوم در سال ۱۳۴۲ به مدینه حمله و بعد از تصرف آن قبور ائمه در بقیع را تخریب کردند.

در این سی سال اخیر که وهابی‌ها خود را سردکدار جهان اسلام میدانند و با علمای الازهر نیز درگیر هستند اقدامات زیادی را در آزار شیعیان انجام داده‌اند و آتش بیار معرکه نیز القاعده بود که به لحاظ فکری به وهابیت وابسته است.

"و چون کسانی نباشید که پس از آن که دلایل آشکار برایشان آمد پراکنده شدند و باهم اختلاف پیدا کردند و برای آنان عذاب سنگین است." آل‌عمران/۱۰۵





بالاخره دوران دانش آموزی تان تمام شد و وارد دانشگاه شدید...

تا به حال فکرش را کرده‌اید فرقش با دانش آموزی چیست؟!

فقط باید درس بخوانیم؟! یا اینکه حداکثر بهره را ببریم و عشق و حال کنیم؟!!

وظیفه‌ی یک دانشجو چیست؟

خب، قطعاً هرکس تعاریف خودش را از یک دانشجوی خوب دارد اما من می‌گویم دانشجو نباید سیب‌زمینی باشد، نباید مثل کبک سرش را زیر برف کند... نباید خواب باشد... بی تفاوت باشد... خودتان را باور کنید که آینده مملکت به دستان شما گره خورده است.

خسته نباشید.. سیب‌زمینی نباشید و بدانید که مهم هستید...

کار تشکیلاتی ابتدایی‌ترین راه است که ثابت کنیم سیب‌زمینی نیستیم! و از دوران دانش‌آموزی به دانشجویی گذار کرده‌ایم. ماهیت دانشجو بودن نیز می‌طلبد که در کنار درس خواندن در جریان و پیگیر مسائل روز باشیم.

دانشجو کارمندی سر به راه نیست که تنها فقط درسش را بخواند و سلفش را برود... دانشجویی که در گیرودار برگزاری برنامه‌های مختلف نباشد دانشجو نیست...

دانشجو باید پویا و فعال باشد و اینگونه است که دانشجو را به موتور محرکه مملکت تعبیر می‌کنند.

اگر یک نیم‌نگاهی هم به تاریخ معاصر ببینیم؛ متوجه تاثیر دانشجویان در طول تاریخ می‌شویم.

اعتراض به سفر نیکسون در ۱۶ آذر سال

۳۲ و شهادت سه تن از دانشجویان،

اعتراض به تاسیس ساواک در سال ۳۵، اعتراض به تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، اعتراض به تبعید امام و اعتراض های مکرر به فعالیت رژیم شاه برای ترویج فساد و کم‌رنگ کردن فرهنگ

دینی قسمتی از فعالیت‌های دانشجویان قبل از پیروزی انقلاب است.

اگر بخواهیم خیلی واقع‌گرایانه به جریان‌های دانشجویی نگاه کنیم باید بگوییم که جنبش دانشجویی با تشکل های سیاسی معنا پیدا می‌کند نه به این معنی که سایر تشکیلات از معنا تهی هستند، اما اثرگذاری تشکل های سیاسی قابل مقایسه با دیگر تشکیلات نیست.

بدیهی است تمامی این تشکلات پیوندی با جریان‌های سیاسی پرطرفدار کشور دارند؛ لکن به طور کلی هر دانشجو علاوه بر علایق سیاسی خودش باید به این نکته توجه کند که وارد یک تشکل سیاسی نشود که فرصت آزاداندیشی و حقیقت‌گرایی را از او بگیرد...

بی شک پیروی بی‌چون و چرای تشکل ها از جریان های سیاسی بیرون از آسیب‌های تشکل های دانشجویی است که متصدیان تشکل‌های دانشجویی می‌بایست اهتمام ویژه‌ای ورزند که از این آسیب در امان مانند...

بلاشک، اعضای یک تشکل کیفیت کار آن را رقم می‌زنند پس به صرف اسم یک تشکل، وارد آن نشوید و ابتدا کیفیت کار آن ها را در دانشگاه خود ببینید...

انواع افراد تشکیلاتی:

**دسته اول**، سمپات‌ها یا بدنه‌ی تشکل ها هستند که جز هواداری و جو دادن در مراسم ها، کار خاص دیگری انجام نمی‌دهند. یعنی خسته‌تر از آن هستند که بخواهند وارد فاز اجرایی و جریان سازی شوند!

**دسته دوم**، یک مرحله بالاتر از سمپات‌ها هستند و اندکی مسئولیت اجرایی به عهده‌شان است و گاهی برگزار کننده‌ی برنامه‌های فرعی هستند و اغلب در تکاپوی جذب نیروی هر چه بیشتر هستند.

**دسته سوم** که دسته اصلی نیز محسوب می‌شوند حکم سر جنبش دانشجویی را دارند و بار ایده‌پردازی و جریان‌سازی به عهده‌شان است و معمولاً همان شورای مرکزی تشکیلات هستند. به شدت فعالاند. بار برگزاری برنامه‌های اجرایی کلان و مهم مثل برنامه‌های ۱۶ آذر را به عهده‌شان است و حکم سنگ زیر آسیاب را دارند. معمولاً مراسم‌هایی که تشکیلات ها برگزار می‌کنند فرصت خوبی است تا جذب نیرو هم بکنند که دو حالت دارد یا آن‌ها با فرم‌های عضویت از شما دعوت می‌کنند یا آوازه‌ی آن تشکل به گوش شما رسیده و حالا این مراسم فرصتی شده تا شما به آن‌ها بپیوندید. پیوستن‌های رفاقتی:

این مدل شامل افرادی است که از طریق دوستان‌شان با یک جریان دانشجویی آشنا می‌شوند و یا از روی هیجان عضو سمپات‌ها می‌شوند یا با دغدغه‌های والای دوستان‌شان آشنا می‌شوند و خیلی زود به جمع افراد اصلی می‌پیوندند.





## ۲. مهارت همدلی

ما هر روزه با مسائل فراوانی رو به رو هستیم که برخی ساده و برخی پیچیده اند. مهارت حل مسئله این توانایی را به ما می دهد که با توجه به تجارب عملی و توانمندی های ذهنی خود بتوانیم در جهت حل مسئله یا مشکل قدم برداشته و به نتیجه مطلوب دست یابیم.

## ۶. مهارت تصمیم گیری

انسان در مسیر زندگی همواره نیازمند تصمیم گیری های مختلف است و موفقیت زندگی در گرو تصمیم گیری درست و به جای اوست. مهارت تصمیم گیری به ما کمک می کند تا با اطلاعات و آگاهی کافی با توجه به اهداف واقع بینانه خود، از بین راه حل های مختلف بهترین راه حل را انتخاب کرده و به کار بگیریم و پذیرای پیامدهای آن نیز باشیم.

## ۷. مهارت تفکر خلاق

مهارت تفکر خلاق، قدرت کشف و تولید اندیشه جدید را برای ما فراهم می آورد. این مهارت به ما کمک می کند در مواجهه با حوادث ناگوار چگونه احساسات منفی خود را به احساسات مثبت تبدیل کنیم. تفکر خلاق نوع دیگر دیدن است.

همدلی یعنی این که فرد بتواند مسایل دیگران را حتی زمانی که در آن شرایط قرار ندارد درک کند و به آن ها احترام بگذارد. این مهارت موجب می شود تا به دیگران توجه کرده و آن ها را دوست داشته باشیم و خود نیز مورد توجه و دوست داشتن دیگران قرار بگیریم و با ایجاد روابط اجتماعی بهتر به هم نزدیک تر شویم.

## ۳. مهارت روابط بین فردی

مهارتی است که موجب می شود ضمن تقویت روحیه مشارکت، اعتماد واقع بینانه و همکاری با دیگران بتوانیم مرزهای روابط بین خود و کسانی که دوستان داریم را تشخیص داده و در جهت ایجاد روابط صمیمانه و دوستانه قدم برداریم و هر چه زودتر به دوستی های نامناسب و ناسالم خود خاتمه دهیم، پیش از آن که مورد آسیب جدی قرار گیریم.

## ۴. مهارت ارتباط مؤثر

کسب این مهارت به ما می آموزد برای درک موقعیت دیگران چگونه به سخنان آنان فعالانه گوش دهیم و چگونه دیگران را از احساس و نیازهای خود آگاه نماییم تا ضمن به دست آوردن خواسته های خود، طرف مقابل نیز احساس رضایت نماید.

## ۵. مهارت حل مسئله

توانایی هایی هستند که به ما کمک می کنند تا در موقعیت های مختلف، عاقلانه و صحیح رفتار کنیم، به طوری که با خود و دیگران سازگارانه ارتباط برقرار کرده و بدون توسل به خشونت بتوانیم مسائل پیش آمده را حل نماییم و ضمن کسب موفقیت در زندگی، احساس شادمانی داشته باشیم.

اهداف مهارت های زندگی

- تقویت اعتماد به نفس
- تقویت روحیه مشارکت و همکاری
- رشد و تقویت عواطف انسانی
- ایجاد روحیه مقاومت در برابر تبلیغات مسموم
- کمک به شناسایی و بیان احساسات
- تأمین سلامت جسمی و بهداشت روانی
- تقویت مهارت های ارتباطی
- ساختن یک شهروند متعادل و مقبول اجتماع
- تقویت روحیه ی همزیستی مسالمت آمیز
- ارتقای سازگاری فرد با خود، دیگران و محیط زندگی

## انواع مهارت های زندگی:

### ۱. مهارت خودآگاهی

مهارت خودآگاهی، توانایی شناخت از نیازها نقاط ضعف و قوت خواسته ها، رغبت ها و تصویر واقع بینانه از خود است تا حقوق فردی، اجتماعی و مسئولیت های خود را بهتر بشناسیم.





زدن را هم ندارد، زیرا به تارهای صوتی او آسیب زده‌اند. باید گفت این تنها بخش اول زندگی دخترانی است که تبدیل به اسباب‌بازی می‌شوند آن‌ها باید یاد بگیرند که چگونه با بدن جدید خود ارتباط برقرار کنند و نیازهای خود مثل غذا خوردن و دستشویی رفتن و غیره را برطرف کنند. آن‌ها باید یا بگیرند که شریک برده جنسی نیستند، در واقع آن‌ها از مسائل بیرون درک مشخصی دارند اما توانایی واکنش از آنها سلب شده است.

گفته می‌شود که خریداران لولیتا افرادی بیمار از نظر جنسی هستند که پس از سفارش عروسک خود می‌توانند آن را به صورت وکیوم شده در منزل خود تحویل بگیرند. قیمت این عروسک ها ۳۰ هزار دلار است و دقیقاً مشخص نیست این سیستم فروش توسط چه افرادی اداره می‌شود.

عروسک‌های لولیتا جنایت بزرگی است که برای شهوت جنسی انجام می‌شود و متأسفانه در بسیاری از نقاط جهان این جنایت بزرگ مشاهده شده است.

البته دستیابی به این اطلاعات کار آسانی نیست. زیرا این تجارت در دارک وب یا دیپ‌وب انجام می‌شود.

دارک‌وب یا وب‌تاریک به شبکه‌ای گفته می‌شود که در دسترس عموم نیست و بیشتر برای مقاصد غیرقانونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ردیابی فعالیت‌های آن‌ها غیرممکن و دشوار است در این شبکه اطلاعات جامعی نهفته شده که افراد ناشناس آن‌ها را مدیریت می‌کنند. فروشندگان مواد مخدر و هکرها و تروریست‌ها و افراد سودجو غالباً این افراد را تشکیل می‌دهند دارک‌وب درواقع بخش کوچکی از وب پنهان است، در این شبکه تمامی اطلاعات به صورت آنلاین و با پسوردهایی محافظت شده وجود دارند. بنابراین از آنجا که این اطلاعات در بخش وب‌تاریک و نهفته اند، نمی‌توان اظهار دقیقی درباره این تجارت سیاه کرد اما اخیراً فیلم‌هایی در یوتیوب منتشر شده است که نشان می‌دهد لولیتا دختری است که دست‌هایش از آرنج و پاهایش از زانو توسط فردی ناشناس قطع شده است. از طرفی تمام دندان‌های او کشیده شده و روی لثه‌اش پوششی نرم قرار می‌گیرد تا لولیتا نتواند در برابر صاحبش که او را آزار می‌دهد از خود محافظت کند. همچنین گفته می‌شود که این عروسک زنده، توان صحبت کردن و داد

«لولیتا»، در واقع عنوان یک کتاب داستان اثر نویسنده روسی «ولادیمیر ناباکوف»، است که مضمون بسیار بحث برانگیزی دارد. راوی غیرقابل اعتماد داستان یک استاد روان‌پزشک به نام «هامبرت» است که عشقی بیمارگونه به دختری ۱۲ ساله به نام دلورس هیز ملقب به لولیتا دارد و چون پدرخوانده اوست با او وارد رابطه جنسی می‌شود. این کتاب همان ابتدا در پاریس موهن تشخیص داده شده و فروش آن ممنوع شد. کمی بعد در انگلیس، آرژانتین، نیوزلند و آفریقای جنوبی نیز اجازه فروش پیدا نکرد و انتقادات زیادی هم از سراسر دنیا به اثر ناباکوف وارد شد. به گزارش آفتاب‌نیوز، از زمان انتشار این کتاب به بعد و به ویژه در طول سال‌های اخیر، به دختران جوانی که از سنین پایین درگیر مسائل جنسی می‌شوند، اصطلاحاً لولیتا گفته می‌شود.

این اصطلاح در حال گسترده شدن در جهان امروز می‌باشد و بعید نیست که به مرور در جهان تجارتی سیاه در حال شکل‌گیری باشد که دختران جوان را به عنوان عروسک‌های اسباب‌بازی لولیتا خرید و فروش کنند. از برخی منابع موجود این طور بر می‌آید که این تجارت اولین بار در مکزیک مشاهده شده است.





کنکور در لغت به معنای ازدحام و پالایش نیروی آموزش دیده مقطع دانش آموزان:

اجتماع عده‌ای از مردم که قصد یکجا دارند، هماهنگی، همکاری و مسابقه است. متوسطة برای ورود به دانشگاه و آموزش عالی است. ۱- به اقتصاد مملکت و عاملی برای از بین رفتن منابع طبیعی ۲- کنکور عاملی برای افزایش

در ایران و بعضی از کشورها به علت تعداد متقاضیان، محدود بودن ظرفیت دانشگاه‌ها و زیاد بودن هزینه‌های آموزش، سیستم آموزشی می‌تواند از بین داوطلبان متعدد به گزینش پردازد و بر این اساس از آزمون ورودی (کنکور سراسری) جهت گزینش دانشجو برای موسسات آموزش عالی استفاده می‌کنند.

زمانی برای دانستن معنای کنکور کافی بود که این واژه را در فرهنگ لغت جستجو کنیم تا کلماتی چون فتح کردن، پیروزشدن و غیره را به عنوان معادل‌هایی که برای این واژه فرانسوی در نظر گرفته شده است، دریابیم. اما اکنون دیگر نمی‌توان همه معانی را که کنکور در گستره ادبیات فارسی به خود اختصاص داده است را در فرهنگ لغت و واژه‌نامه‌ها بیابیم.

به این ترتیب کنکور ایستگاه ۱۲۹۰ تا سال ۱۳۳۷ دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی صرفاً به ضوابط عمومی و اختصاصی توجه می‌نمودند. با تهیه ابزارهای اندازه‌گیری و سنجش از یک سو و نیاز به نیروی انسانی در بخش‌های مختلف جامعه از سوی دیگر، مساله گزینش افراد از طریق امتحانات ورودی دانشگاه مطرح شد، انجام مسابقات ورود به دانشگاه و استفاده از تست برای انجام این کار، اولین بار در سال ۱۳۳۷ ضرورت پذیرفت.

۱- انتخاب کردن هدف و مسیر: انتخاب مسیر و رسیدن به هدف مورد نظر ما بسیار با اهمیت است، چرا که همه ما می‌توانیم مسیر پر پیچ و خم و انحرافی را انتخاب کنیم و هم بهترین مسیر را و این بستگی به میزان علاقه ما به آن هدف و خواسته‌مان دارد. رسیدن به هدف، انگیزه تلاش کردن را در ما زیاد می‌کند. باگر هدف ما مشخص باشد شدت و ضعف مسیر برای ما

چالش‌های کنکوری پیش رو



کم اهمیت است و انگیزه‌ای برای رسیدن را مشتاق نمی‌کند، اما اگر هدف ما بسیار ارزشمند باشد راه دوم را انتخاب می‌کنیم و برای رسیدن به آن از هیچ تلاش و کوششی دریغ نمی‌کنیم و برای رسیدن به آن سختی‌ها را نیز متحمل می‌شویم. بنابراین شور و شوق شور و شوق رسیدن به هدف، انگیزه تلاش کردن را در ما زیاد می‌کند.

## ۲- انجام برنامه ریزی صحیح:

انتخاب مسیر، همان برنامه‌ریزی درست و مطلوب است. یعنی اگر ما هدف مشخص و معین داشته باشیم و آن هدف برای ما بسیار با ارزش باشد شور و شوق رسیدن به آن، این انگیزه را بدر ما ایجاد می‌کند که چگونه برای پیمودن به بهترین نحو برنامه‌ریزی کنیم تا بهترین نتیجه را در رسیدن به هدف‌مان بگیریم، بنابراین برنامه ریزی، راه هدفمند برای رسیدن به هدف است. بدون هدف، برنامه ریزی معنایی ندارد همان گونه که بدون انگیزه نیز، هدف معنایی

ندارد. پس برای رسیدن به هدف، ابتدا باید اهداف جزئی تر را طی کرد، مثل پلکان که برای رسیدن به آخرین پله باید ابتدا از پایین پله شروع کرد.

## ۳- مطالعه با تکنیک های داده

### کاوی:

داده‌کاوی شامل بهره‌گیری از ابزار های آنالیز، داده پیچیده برای کشف الگوهای موجود و روابط ناشناخته میان داده‌ها در حجمی وسیع می‌باشد. این ابزار شامل مدل های آماری، الگوریتم های ریاضی و متدهای یادگیری ماشین می‌باشد. الگوریتم‌هایی که بازدهی خود را به صورت خودکار از طریق تجربه افزایش می‌دهند، مانند شبکه های عصبی و درخت های تصمیم گیری، نتیجه داده کاوی علاوه بر جمع آوری و مدیریت داده ها، در برگزیده آنالیز و پیش‌بینی هایی نیز می‌داده‌های ارائه شده در فرم‌های عددی متنی و یا چند رسانه‌ای اعمال شود.

کشف پول‌شویی و فساد مالی و به دست آوردن نتایج راهبردی جهت

تصمیم گیری های آینده از مهم ترین کاربردهای آن در آینده است.

## ۴- کاهش استرس و امتحان ناشی

### از کنکور در دانش‌آموزان:

شامل تجربیات و احساسات ناخوشایند عاطفی و نگرانی یا تشویش در موقعیت‌هایی است که فرد احساس می‌کند عملکرد وی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. روش های درمانی و آموزشی مختلف مانند آموزش تن‌آرامی، آموزش ایمن‌سازی در برابر استرس، آموزش مهارت‌های مطالعه‌ای، پس خوراند زیستی و مداخله‌های شناختی رفتاری به کار برده شده است که هر کدام اثر بخشی‌های متفاوتی روی اضطراب آزمون داشته اند.

همچنین روش های گوناگونی برای درمان اضطراب در نوجوانان پیشنهاد شده که از آن جمله می‌توان از دارو درمانی، روان درمانی از نوع حساسیت زدایی، درمان تحلیلی، شناخت درمانی، خانواده درمانی و درمان های شناختی رفتاری نام برد.



دکتر ابراهیم حیدری لقب یکی از اساتید دوست‌داشتنی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید رجایی سمنان است. او یکی از دانش‌آموختگان تربیت معلم در رشته آموزش زبان انگلیسی در مقطع کاردانی می‌باشد. وی دارای مدرک دکتری حقوق است. وی رئیس اسبق دانشگاه فرهنگیان بود و هم‌اکنون به عنوان یکی از اعضای هیئت علمی به فعالیت‌های علمی پژوهشی خود ادامه می‌دهد.

به مناسبت صدمین سالگرد تاسیس دانشگاه فرهنگیان تصمیم گرفتیم تا مصاحبه‌ای جوان‌پسند با این استاد توانمند داشته باشیم. در این مصاحبه سعی شده است دغدغه‌ها و مشکلات دانشجو-معلمان مطرح گردد.

مصفا محمد دوستگاه فرهنگیان

است که در مصاحبه‌ها بیشتر به مسائل مذهبی توجه می‌شود تا به فن‌بیان و انتقال مطلب. به نظر شما، چه معیارهایی علاوه بر ایمان باید گنجاده شود؟

✓ در بحث معلمی باید چند فاکتور باشد. معلمی که قرار است در جامعه اسلامی به تربیت عمومی و رسمی بپردازد، قاعدتاً نمی‌تواند یک فرد غیر دینی باشد. پس اساس کار این است که فرد متدین و مذهبی باشد. اما اینکه صرفاً مذهبی بودن کفایت می‌کند؟ خیر. معلم باید جدا از مذهبی بودن باید توان تدریس، توان کلاس‌داری داشته باشد و از جهت علمی توانمند باشد. همه این‌ها را باید با هم داشته باشد. اگر معلم را یک بعدی نگاه کنیم، قطعاً معلم موفق نخواهد بود. اما ما روی مصاحبه حرف داریم. یک جوان هجده‌ساله در مدت زمان کوتاه مثل نیم‌ساعت نمی‌توان او را شناخت نه دینداری، نه توان علمی و نه روش تدریس. نوع مصاحبه اشکال دارد. بنابراین باید نوع و شرایط مصاحبه را عوض کنیم. باید زمان گسترده‌تری را قرار دارد و از افراد توانمندتری در مصاحبه‌ها استفاده کرد.

✓ آیا، دانشگاه فرهنگیان، به کارهای پژوهشی دانشجویان بها می‌دهد؟

✓ خیر. عملاً در دانشگاه فرهنگیان، کارهای پژوهشی جایگاهی ندارد. بودجه‌هایی که برای کارهای فرهنگی در نظر گرفته می‌شود، بسیار ناچیز است.

✓ آیا با نفس دانشگاه فرهنگیان موافق هستید؟

✓ بله، قطعاً و یقیناً. با توجه به این که این دانشگاه یک رسالت بزرگی را در تربیت معلم دارد و یک دانشگاه ماموریت محور است و وظیفه تربیت معلم را دارد، قطعاً و یقیناً یک نیاز جامعه است.

✓ آیا با وضعیت کنونی دانشگاه فرهنگیان موافق هستید؟

✓ اصل وجود دانشگاه فرهنگیان را که قبول داریم، اما این که زیرساخت‌های لازم را دانشگاه فرهنگیان دارد یا خیر؟ خیر ندارد.

اما اعتقاد ما بر این است که علی‌رغم این که زیر ساخت‌ها را ندارد اما پتانسیل تربیت دانشجو را هنوز دارد منتها نه به این تعداد. ما معتقد هستیم با توجه به زیرساخت‌هایی که دارد باید ظرفیت‌های خود را در گرفتن دانشجو محدود کند. اول بیابیم زیرساخت‌هایش را گسترش دهیم، حالا به جذب دانشجو بپردازیم.

✓ یکی از صحبت‌های معمول میان دانشجو



✓ **درس کارورزی چقدر اهمیت دارد؟**  
آیا نیاز به بازاندیشی در این درس داریم؟

✓ محور کار دانشگاه‌فرهنگیان در درس کارورزی دانشجویان تجلی می‌کند. بررسی نقاط ضعف و قوت دانشجویان و اصلاح آنها و نهایتاً خروجی یک معلم کارآمد برای نظام شود. در واقع کارورزی است که معلم را به شکل ایده‌آل خودش تربیت می‌کند. اگر کارورزی جدی گرفته نشود معلم یک معلم موفق نخواهد شد. با توجه به وضعیت کنونی، کارورزی در دانشگاه فرهنگیان جدی گرفته نمی‌شود و دارای چارچوب معینی نیست و اساتید مربوط به این درس گاهی اوقات از تجارب کافی برخوردار نیستند، ممکن است که معلمان باتجربه‌ای باشند اما درس کارورزی را جدی نمی‌گیرند و این آسیب‌زا است، بنابراین نیازمند یک بازاندیشی هستیم.

✓ **چرا دانش‌آموزان، شغل معلمی را در اولویت‌های انتخابی خود قرار نمی‌دهند؟**

✓ اول، اینکه معلم جایگاه خوبی را در بیرون از سیستم ندارد. یعنی حتی اکثر خانواده‌های فرهنگی نیز، به معلم شدن فرزندان‌شان توصیه نمی‌کنند. دوم، زیر ساخت‌های مالی است. یعنی معمولاً یک شغل آزاد درآمد بیشتری از معلمی دارد، خب چرا معلم بشود؟ سوم، سختی کار است. خب شغل معلمی، بسیار سخت است. نیازمند به روش‌ها و فنون مختلف است. چهارم بی‌علاقگی است. دانش‌آموزان علاقه خاصی ندارند به معلمی. ما داشتیم که فرد به عنوان ماده ۲۸ استخدام شده و بعد از یک سال گفت که علاقه ندارد و انصراف داده و رفته‌است.

✓ **علت این همه کمبود معلم چیست؟ ما نمی‌دانستیم که سالی می‌رسد که نیمی از معلمان ما بازنشسته می‌شود؟**

✓ ما پیش‌بینی می‌کردیم. بی‌درایتی و سهل انگاری مدیران، سپردن کارها به افراد نالایق، رفت‌وآمد وزیران. به طور کلی سوء مدیریت.

✓ **اگر به گذشته برگردید باز هم معلمی را انتخاب می‌کنید؟**

✓ بله، معلم خواهم شد و با سرعت بیشتری رشد علمی خواهم کرد و کمتر وارد فضای اجرایی می‌شوم.

✓ **یکی از دلایل علاقمند بودن اکثریت افراد به شما، فراجناحی عمل کردن شما در کارها است. چه توصیه‌ای در این باره به ما دانشجویان دارید؟**

✓ هر فرد در جامعه نیازمند بصیرت و درایت است یعنی باید به سادگی تحت تاثیر فضای عمومی جامعه و احساسات قرار نگیرد که قربانی جبهه سیاسی خاصی شود. دانشجویان معلمان باید دید باز سیاسی، نگاه عمیق به قضایا، بلند اندیشی و اطلاعات تاریخی سیاسی اجتماعی مناسبی داشته باشند. نکته بعدی حق‌مدار بودن است. درواقع باید حق‌مداری را بر جانب‌داری سیاسی ترجیح دهیم. درواقع من اشخاص را بر اساس گروه‌سیاسی آنها قضاوت نمی‌کنم، بلکه اشخاص را بر اساس خودشان و توانمندی و قانون‌مندی‌شان قضاوت می‌کنم. درواقع نگاه سیاسی محدود است و گاهی حق را ناحق می‌کند و ممکن است این نگاه به افراد آسیب بزند. توصیه به عدم فعالیت‌های سیاسی ندارم اما منطق را در این فعالیت‌ها دخیل نکنند. درواقع حرف دانشجویان باید منطقی باشد. مخالف چندحزبی بودن نیستم ولی صرفاً جانب‌داری از حزبی نمی‌کنم. همه دانشجویان را می‌پذیرم و با آنها به گفت‌وگو می‌پردازم، همین امر باعث شده است که دوستان به لطف داشته باشند.

✓ **اگر شما مسئول تغییر دانشگاه فرهنگیان بودید، چه درس‌هایی را اضافه و چه درس‌هایی را حذف می‌کردید؟**

✓ دروسی که موازی هم‌اند و هم‌پوشانی دارند. مثلاً دروس فلسفه تربیت رسمی و عمومی که جزء دروس PCK اند، و شبیه به هم هستند. بعضی از دروس نیز خواندن یا نخواندن‌شان در آینده دانشجویان معلمان تاثیری ندارد، چون که نه تجربه‌ای به دانشجویان معلم و نه دانشی می‌افزاید، باید حذف گردند. اما برخی دروس که در آینده‌شان کاربرد دارد را اضافه می‌کردم. مثل دروس حقوقی. کارمندی که قرار است در اداره‌ای استخدام شود، باید با حقوق اداری آشنا باشد.

✓ **اگر شما وزیر آموزش و پرورش باشید، برای دانشگاه فرهنگیان چه**

✓ **اقداماتی انجام می‌دهید؟**  
✓ اولاً، بهسازی تمامی فضاهای آموزشی دانشگاه فرهنگیان، به‌گونه‌ای که در شان دانشجویان دانشگاه فرهنگیان باشد. ثانیاً، تمام سعی‌ام را می‌کنم تا معلمانی درخور نظام جمهوری اسلامی تربیت کنم.

✓ **کارآمدترین وزیر آموزش و پرورش از دیدگاه شما چه کسی است؟**

✓ آقای حاجی‌بابایی. دلیل بنده برای این انتخاب، ایجاد دانشگاه فرهنگیان، اجرای سند تحول بنیادین و بیمه‌ی طلایی فرهنگیان است. همچنین اقداماتی که در جهت بهبود زیرساخت‌های رفاهی معلمان مانند افزایش حقوق تلاش کردند. دلیل بعدی طرح رتبه‌بندی معلمان است.

✓ **آیا با روش‌های جدید تدریس مانند تدریس با شعر موافقت می‌کنید؟**

✓ دنیا به این سمت سوق پیدا کرده، تمامی کشورهای توسعه‌یافته آموزش را از طریق بازی و تفریح مطرح می‌کنند. در شیوه‌ی جدید آموزش، دانش‌آموزان کتاب را به خانه نمی‌برند، و کتاب‌ها در مدرسه می‌مانند. خانه محل استراحت است و مدرسه محل تفریح و آموزش است.

✓ **اولین کلمه‌ای که با شنیدن کلمات زیر به ذهن‌تان می‌رسد را بیان کنید.**

✓ آموزش و پرورش: محل رشد/ معلم: شغل انبیا/ دلار: گرانی، تورم/ حباب: قیمت‌ها/ سند تحول بنیادین: ریل‌گذاری در آموزش و پرورش/ طلوع: درخشش خورشید/ آقای حاجی‌بابایی: وزیر توانمند/ دکتر روحانی: برجام/ دکتر دانشجوی بی‌قلع و غش







همان‌طور که می‌دانیم برای اولین بار نظریه‌های دموکراسی و جمهوری در دوران سقراط و افلاطون بیان شد و برای اولین بار هم تقریباً در همان دوران اجرا شد. شاید یکی از اولین نگرانی‌هایی که درباره‌ی این نظریه وجود داشت و خیلی‌ها آن را به عنوان ایراد مطرح می‌کردند. این بود که چه تضمینی وجود دارد که افرادی که در جمهوری صاحب مسند می‌شوند به فکر مردم باشند و مسئولیت خود را به خوبی انجام می‌دهند؟ یا به عبارت دیگر چه تضمینی وجود دارد، که این افراد غرق در بر طرف کردن نیازهای خود و سوءاستفاده از مسند خود نشوند؟ شاید این موضوع مشکل اساسی جامعه‌ی امروز ما هم هست. البته این مشکل پس از صنعتی شدن جهان و روی کار آمدن سرمایه‌داری کلان هم وجود داشت. به عبارتی چگونه باید کارگران کارخانه‌ها را موظف می‌کردند دقیق و بدون اتلاف ظاهر شوند و این روند خود را مادامی که در کارخانه هستند حفظ کنند. شاید دو راه کلی برای برطرف کردن این مشکل و به وجود آوردن مسئولیت پذیری در افراد جامعه وجود دارد: ۱. به وجود آوردن ایمان و تقوای زیاد در درون سطح جامعه ۲. به وجود آوردن تعهد اجتماعی با استفاده از روانشناسی تربیتی پس از وقوع انقلاب اسلامی جامعه و حکومت ایران راه اول را برگزید و در کنار آموزش و پرورش نهادهای زیادی را با بودجه‌های کلان قرار داد تا این امر مهم را اجرایی کند، ولی شاید سوال مهمی که الان در ذهن ما نقش بسته است، این است که چرا این برنامه خیلی موفق آمیز ظاهر نشد؟

شاید برای موضوعات فوق بتوان این مشکلات را برشمرد:

۱. شاید ما ایرانی‌ها و بسیاری دیگر از افراد معنای راه صحیح رسیدن به ایمان را

نمی‌دانستیم. به عبارت دیگر ما فقط می‌دانستیم انسان مومن چه ویژگی‌های ظاهری دارد، ولی به این موضوع دقت نکردیم که خیلی‌ها می‌توانند با ظاهرسازی و ریا خود را شبیه مومنان جلوه دهند و ظاهر معیار مناسبی برای قضاوت نیست. چه بسا که ابوسفیان و معاویه در صدر اسلام این کار را کردند.

۲. ایمان در قلب انسان‌ها به وجود می‌آید و هیچ انسانی طبق روایات و آیات قادر نیست بفهد دیگری چه میزان ایمان و تقوا دارد.

۳. ما فقط می‌دانستیم که جامعه‌ی ما در فلان نقطه قرار دارد و طبق آیات و روایات باید به نقطه‌ی دیگری برسد و ما هدف را تعیین کردیم، ولی مسیر رسیدن به این هدف کاملاً تاریک و مبهم و شعارگونه به نظر می‌رسید و ما فکر می‌کردیم و فقط با خواندن روایات در گوش مردم می‌توانیم آن‌ها را مومن کنیم. حال آن‌که در ایمان آوردن اصل و مبنا قلب و اندیشه‌ها و نیت انسان هاست.

۴. ایمان، امری اختیاری است و کسی را نمی‌توان به زور به انسان با ایمان تبدیل کرد به طوری که خداوند در آیه‌ی ۱۸ سوره‌ی کهف می‌فرماید: بگو دین حق همان است که از جانب پروردگار شما آمد پس هر کس می‌خواهد ایمان بیاورد (و این حقیقت را پذیرا شود) و هر کس می‌خواهد کافر شود.

البته باید به این موضوع هم اشاره کرد که فرآیند ایمان آوردن بسیار طولانی است به طوری که عرفاً برای رسیدن به آن سال‌ها خودخواسته تلاش کردند.

اما جامعه‌ی غرب در دهه‌های پایانی قرن بیستم فرآیندهای گسترده‌ای را در جهت به وجود آوردن تربیت صحیح و تعهد اجتماعی و مسئولیت‌پذیری را با استفاده از روش‌های جدید روانشناسی-تربیتی آغاز کرد و در راس

این فرآیندها، آموزش و پرورش کشورها قرار داشت و هزینه‌های و بودجه‌های هنگفتی را در این زمینه به کار گرفت. اهداف خود را مشخص کرد، راه‌حل‌های رسیدن به آن‌ها را به طور مشخص و شفاف بیان کرد و در راه رسیدن به آن‌ها هزینه‌ها و تلاش‌های عظیمی را انجام داد. به طوری که مدارس به بزرگ‌ترین ساختمان‌های اداری و دولتی تبدیل شدند و به جای اینکه مباحث و موضوعاتی را تدریس کنند که پنج سال یا ده سال نهایتاً در ذهن کودکان جا بگیرند، اصول و مباحث تربیتی را با روش‌های صحیح روانشناسی-تربیتی در ذهن کودکان خود از همان دوران ابتدایی نهادینه کردند و جایگاه‌های معلمان خود را ارتقا داده و آن‌ها را به سه شغل پر درآمد دولتی تبدیل کردند و این گونه مراتب پیشرفت را در پیش گرفتند به طوری که آمستردام دهه‌ی هفتاد میلادی با آمستردام الان زمین تا آسمان فرق دارد.

آن‌ها به این درک رسیدند که داشتن جامعه‌ای با شعور با خصایل و صفات اخلاقی مناسب بسیار مهم‌تر است و سواد را می‌توان هر موقع فرا گرفت ولی فرا گرفتن ادب بسیار سخت‌تر است و معمولاً هم دست خود فرد نیست در ضمن می‌توان زمینه را طوری فراهم کرد که افراد خود به یادگیری علم مشتاق شوند و کاری کرد خودشان بروند، دنبال سوادآموزی و مطالعه ولی ادب و تربیت و مسئولیت‌پذیری را هر زمان نمی‌توان به افراد یاد داد و آنها را در وجودشان نهادینه کرد. در کل اگر کسی بتواند ایمان بیاورد بسیار بهتر است. چراکه به آرامش روحی و روانی خواهد رسید و تمام خصایل خوب را هم خواهد داشت. ولی رسیدن به آن، کار بسیار سختی است و هرکس باید امتحانات خود را پس بدهد و حکومت نمی‌تواند کاری کند همه ایمان بیاورند.





زالوها، از

شاخه‌ی کرم‌های حلقوی و از راسته آرواره‌دارها هستند. بدنی با قابلیت انبساط و انقباض فراوان و با میانگین طولی ۱۸ سانتی‌متر می‌باشند. زالو ۳ فک و هر فک ۱۰۰ دندان دارد؛ یعنی یک زالو حدود ۳۰۰ دندان فوق‌العاده ریز دارد!

زالو را دوست داشته باشیم یا نه؟

جانورشناسان تاکنون ۶۰۰ نوع زالو را شناسایی کرده‌اند که ۵۰ نوع آن از خوردن خون پستانداران تغذیه می‌کنند. برخی از انواع زالوها فوق‌العاده خطرناک و بیماری‌زا می‌باشند؛ اما گونه‌های متعددی از زالوها وجود دارند که اثرات درمانی جالب توجهی دارند.

چرا زالو؟

زالو، همان موجود خوفناک و چسبانی است که در باورمان خون انسان را سر می‌کشد؛ اما در پشت پرده زندگی تاریک و ترسناکش حقایقی باور نکردنی دارد؛ در طب قدیم ایرانیان نیز دانشمندان نامداری نظیر شیخ الرئیس ابوعلی سینا بر استفاده از زالو های ساکن در آب خزهدار و عدم استفاده از زالوهای دارای کرک‌ریز و لاجوردی رنگ تاکید کرده‌است. زالو ها هنگام مکیدن خون، مواد متنوعی ترشح می‌کند که خواص درمانی متفاوتی دارند. معروف‌ترین ماده مترشحه از زالو، هیرودین است. در واقع این مواد، درون بزاق زالو وجود دارند. جالبی ماجرا اینجاست که هیرودین خاصیت بی‌حس‌کنندگی دارد. به این معنی که زمان نیش زدن زالو، درد موضع، با این ماده کاهش می‌یابد. دیگر شاخصه هیرودین، خاصیت رقیق‌کنندگی خون است. این جانور دوست‌داشتنی درون خود هیستامین هم دارد. هیستامین نیز در گشادکنندگی عروق عملکرد نسبتاً مفیدی دارد.

جایگزین حجامت

امروزه زالودرمانی، جایگزین مناسبی برای حجامت است. چراکه حجامت دارای مشکلاتی چون درد زیاد و خونریزی طولانی است اما بزاق زالو این مشکل‌ها را هم حل کرده. همانطور که در بالا گفته شد، هیرودین خاصیت سرکندگی و ماده‌ای به نام کالین از خونریزی ثانویه جلوگیری کرده و همین‌طور خاصیت آنتی‌بیوتیکی را داراست.

زالو، کارخانه داروسازی

اما این تنها بخشی از ماجراست. بزاق زالو حاوی بیش از یک‌صد نوع ماده‌حیاتی مفید است که موجب درمان بیماری‌های مختلفی از جمله بواسیر، دیابت، واریس، آرتروز، بیماری‌های چشم و پوست می‌شود. استفاده در عمل‌های پیوند اعضا نیز از دیگر کاربردهای زالوهاست. این موجود کوچک و شگفت‌آور به علت توانایی فوق‌العاده‌ای که در درمان بیماری‌ها دارد جایگاه ویژه‌ای در طب را دارا می‌باشد. عمده خواص درمانی زالو در بزاق آن است. از این رو در بعضی کشورها مانند چین، یونان و آمریکا بزاق آن را جداسازی و با قیمتی گزاف به فروش می‌رسانند.

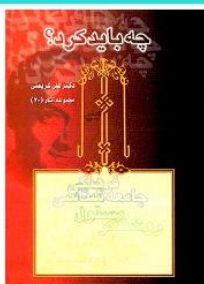
موارد منع مصرف

زالو درمانی در زنان باردار و کودکان و نوزادان به دلیل برخی مشکلات توصیه نمی‌شود. همچنین این روش درمان در کسانی که دارای کم‌خونی حاد هستند نیز مناسب نیست.

زالو ناقل یا تجزیه‌گر؟

با این که زالو خواص فراوانی دارد اما سوالی در اینجا پیش می‌آید. اگر شخصی که تحت درمان زالو قرار دارد مبتلا به ایدز باشد چه؟ زالو یک خاصیتی دارد و آن هم این است که اگر تغذیه‌اش کامل شود تا دو الی سه ماه نیازی به غذا ندارد. در واقع در این مدت همان چیزی را که خورده است، به مرور هضم می‌کند در این فاصله هم خونی که خورده است، در بدنش کاملاً تجزیه می‌شود.

مصرفی کتاب



کتاب «چه باید کرد؟» جلد ۲۰ از مجموعه آثار مرحوم دکتر علی شریعتی است. او با شخصیتی نو و جذاب و سخنانی پر حرارت توانست قشر عظیمی از مردم مخصوصاً جوانان را به خود جذب کند، سعی کرد با نگرشی که داشت، درد را بشناسد و درمان ارائه دهد. کتاب چه باید کرد، به همین قضیه مهم می‌پردازد. به اینکه قشر بیدار و متعهد جامعه چه وظایفی دارند؟ آیا با شناخت غلط از سنت و سنت‌ستیزی می‌توان جامعه‌ای مدرن ساخت؟ و وظیفه روشنفکر چیست؟





یکی از تفاوت علوم انسانی و علوم تجربی، وجود داشتن حب و بغض هایی در متن است. یعنی جانبداری و دفاع از جبهه ای که فرد حامی آن است و تهاجم به جبهه ای که به هر دلیلی مخالف آن است. پس، نوشتن راجع به علوم انسانی سخت است. سینما به خودی خود علوم انسانی نیست، اما تاریخ سینما و برخی مباحث جامعه شناسی آن جزو علوم انسانی است. مطلوب نگارنده این است که در دو شماره به دور از هرگونه حب و بغض کورکورانه، به بررسی بیطرفانه ای از سینمای ایران در قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران بپردازد.

علی رغم برخی صنعت ها که پس از چندین سال از کشف و یا اختراع شدن به ایران وارد می شوند؛ اما پنج سال بعد از تولد سینمای جهان توسط برادران لومیر (حوالی سال ۱۲۷۴ ه.ش)، با ورود اولین دستگاه سینماتوگراف به ایران توسط مظفرالدین شاه، سینمای ایران نیز متولد شد.

ساخت اولین فیلم سینمایی ایرانی به سال ۱۳۰۹ باز می گردد. که فیلمی صامت بود و سال ۱۳۱۲ با ورود هنر صدا به سینما، سینمای ایران به فیلم ناطق دست یافت. همان روزها بود که در تقسیم بندی های جدید هنر، هنر سینما را هنر هفتم نامیدند. چراکه همه ی شش هنر قبلی را در خودش داراست.

ویدئویی بیشترین تاثیر را دارد و یا جذاب است، دلیلش برخورداری از هنر عکس، موسیقی و... است.

در آغاز و همان دهه ی ۲۰ و ۳۰، با تغییر جو سیاسی کشور و مصادف شدن با جنگ جهانی که با اعمال سانسور و ممیزی از جانب حکومت، اکثریت فیلم های ساخته شده ی ایرانی اقتباسی ناشیانه از فیلم های خارجی شده بود. ایرانیزه شده فیلم های خارجی نیز خیلی مورد استقبال واقع نمی شد.

در اواخر دهه ۴۰، علاوه بر ساخت بسیاری فیلم تجاری و موفق در زمان خودش، سینمای ایران موج نو را تجربه می کند. نسل اول موج نو. موج نو به معنای شنا کردن در جهت خلاف جریان آب است که سنت شکنی در ساختار و دستور زبان فیلمسازی را به همراه هرچند برخی ها اعتقاد دارند برای هیچ هنری همانند هنر هفتم "سینما"، هیچ ساختار وجود ندارد. فیلم آغازگر این تحول اند. درباره موج نو در سینمای ایران، بعد از انقلاب را نیز اشاره خواهیم کرد؛ و نیز آغاز به کار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در تدریس دروس سینمایی در تحول و موج نوی سینمای ایران نقش به سزایی داشتند.

در دهه ۵۰ و سالهای منتهی به انقلاب، علاوه بر کیمیایی و مهرجویی، کارگردانانی همانند مرحوم عباس کیارستمی، مرحوم

علی حاتم، خسرو سینایی، مرحوم سهراب شهید ثالث و ناصر تقوایی یکه تازان هنر هفتم ایران اند که با دریافت بسیاری جایزه ی بین المللی پیشرفت در این عرصه را به همه ثابت کردند و مقدماتی را فراهم نمودند تا سینمای ایران گام های مهمی در سال های بعد بردارد. در بحبوحه ی انقلاب، موج نو به دلیل افزایش سانسور و در نظر نگرفتن سلیقه ی مخاطبان و ساختن فیلم ها موج نو رو به افول پیش می رفت.

در دهه ۶۰ و سال ۱۳۶۱ جشنواره فجر گشایش یافت، جشنواره ای قبل از انقلاب نیز با نام جشنواره بین المللی فیلم تهران زیر نظر حکومت پهلوی دوم برگزار می شد. این جشنواره امکان رقابت بین فیلم های سینمایی است که دارای سیمرغ های مختلفی در عرصه های گوناگون است. زمان برگزاری جشنواره نیز مصادف با دهه فجر انقلاب اسلامی است.

در دهه ۶۰ دو نوع سینمای متفاوت را تجربه کردیم. در اوایل دهه ۶۰، فیلم هایی با تم مرتبط با انقلاب و دفاع مقدس، از پرفروش ترین فیلم ها و صدرنشین جدول فروش بودند. که رکورددار فروش تاریخ سینما تا آن زمان است، و نیز چند فیلم حادثه ای با مضامینی درباره اتفاقات قبل از انقلاب و مبارزه با مفسد رژیم پهلوی نیز در بورس بودند و ادامه



کیفیت، مرسوم به فیلم های «شانه تخم مرغی» موجب پسرفت شد. شاید نمی توان خیلی به برخی این نوع فیلم ها خرده گرفت، چراکه آغاز راهی است برای برخی سینماگران. هرچند با کار مبتدیانه. دهه ۹۰ را باید «تنوع» نامگذاری کنیم. تنوع گاهی خوب است و گاهی بد. خوب برای بهتر شدن اوضاع فیلم های سینمایی و سنت شکنی برای به روز بودن؛ و بد برای ساخته شدن برخی فیلم های کمدی سبک (کمدی سبک حرف ناسزا نیست، بلکه سبکی از فیلم سازی است که مخاطب آن عام است). با همه گیر شدن گوشی های همراه و فضای مجازی، بسیاری که فیلم های سینمایی جهانی و داخلی را دنبال می کنند که هم تهدیدی است که سینمای ایران از استاندارد های جهانی به دور نماند و فرصتی است برای دیده شدن. نمی توان تا سه سال دیگر، برای این دهه مطلبی نوشت. چرا که هنر سیال است و روز به روز در حال تغییر. تمام این مباحث و تاریخچه بیان شد تا به اینجا برسیم. بررسی کنیم که آیا سینمای ایران در این ۹۰ ساله با تغییر حکومت، تفاوتی داشته یا خیر... تغییری با تاثیر مثبت بوده یا منفی و برخی سؤالات دیگر...

ادامه دارد...

دخترپسری جلوه کرد و چند فیلم دفاع مقدس، و شروع نسل جدید از موج نوی سینمای ایران. موج نوی نسل سوم را "اصغر فرهادی" ساخت، کسی که خودش هم فکر نمی کرد، جوانی از انجمن سینمای اصفهان، به اوج قله های افتخار سینما دست یابد. کسی که سینما را فهمیده و برایش بسیار مهم بوده. هرچند مقالی برای نقد فیلم هایش نیست و برخی هایمان با "محتوا"ی فیلم هایش مخالفیم، یادمان نرود هیچکس از فیلم های صرفا جشنواره ای که فقط دست به روی الوان خاکستری جامعه ای گذاشته موافق نیست. اما باید بگویم که "فرم" فیلم هایش شهره ی خاص و عام است. بسیار تکنیکی، علمی و هنری است. سینمای دخترپسری منتقدان خودش را داشت اما مخاطب خودش را نیز داشت. با ورود چشم رنگی های سوپر استار به سینما و شکل گیری روابط عاشقانه در فیلم ها درآمد خوبی عاید تهیه کنندگان شد. در این سالها شایعات ورود به سینما با فساد و پرداخت پول های کلان رونق گرفت که هنوز هم بحث هایی هست که نتیجه گیری با مخاطب است. اما باید به پخش شبکه ی خانگی نیز کوتاه اشاره کنیم، هرچند ساخت چند سریال موفق، موجب رونق به این اقتصاد شد اما ساخت برخی «تله فیلم» های کم

سینمای نیز امیر نادری بود. دهه ۷۰ را فیلم های عاشقانه تشکیل دادند. کشف «عشق» نام این دوره است که توانست گیشه را با معرفی چهره های جدید به دست گیرد. نیکی کریمی و ابوالفضل پورعرب از این چهره ها بودند که چندین میلیون برای تهیه کنندگان این فیلم ها کسب کردند. در این دوره فیلم های سینمای دفاع مقدس و کارگردانانی نظیر ابراهیم حاتمی کیا نیز فروغی کم سو داشتند؛ اما بودند و فروش خوبی را نیز کسب کردند. سینمای کودک و نوجوان نیز این دوره خودنمایی می کرد. اما همین دوره زمان آغاز فیلم های با موضوعات و معضلات اجتماعی بود، معضلاتی که روزی به عنوان خط قرمز در جامعه و بطن سینما تلقی می شدند. اعتیاد، دو زنه بودن، فقر و... دلیل پر فروشی شان نیز چنین است که جامعه را درست روایت می کردند و نه درشت. و بودند فیلم هایی که بنابر وصف درشت از جامعه و به صلاح دید دولت، توقیف شده اند. فیلم هایی با مجوز ساخت فیلم، ساخته شده اند اما در اکران و پخش مانده اند. سینمای موج نو هم که معمولا در پی جشنواره های مختلف بودند. در این دهه نیز چهره ی نمایان سینمای ایران بودند.

دهه ۸۰ کمدی و طنز بود، سینمای



## معرفی بهترین‌های معلمی

### رزومه

فارغ‌التحصیل از دانشگاه صنعتی شریف  
مؤلف بیش از ۲۵ کتاب  
کمک درسی ادبیات و زبان فارسی  
بیش از ۲۰ سال سابقه تدریس در مراکز آموزشی برتر کشور  
همانند: انرژی اتمی، ابوریحان



علیرضا عبدالمحمدی

### رزومه

فارغ‌التحصیل از دانشگاه شهید بهشتی تهران  
عضو هیات علمی پژوهشگاه بیوتکنولوژی ایران  
نویسنده کتاب توربوژیست کنکور  
نویسنده کتاب spring nature به زبان لاتین در حوزه زیست شناسی  
مبتکر روش تدریس مبتنی بر درک و شبکه سازی اطلاعات  
بیش از ۱۵ سال سابقه تدریس



حسین فتاحی

### رزومه

مؤلف بیش از ۱۵ کتاب  
کمک آموزشی در حوزه عربی  
مدیر دپارتمان انتشارات همگامان  
کارشناس عربی در برنامه فرصت برابر شبکه آموزش  
مدرس عربی با بیش از ۲۵ سال سابقه



امیر تاج‌نخ

### رزومه

فارغ‌التحصیل از دانشگاه صنعتی شریف  
مؤلف ۷ کتاب در حوزه ریاضیات  
مدرس برنامه کنکور ۱، مسیر موفقیت و کارنامه ۲۰ در صدا و سیما  
مدرس ریاضیات بیش از ۱۵ سال



سروش موینی

### رزومه

مدرس ضمن خدمت آموزگاران پایه اول و پیش دبستان کشور  
سه دوره متوالی پژوهنده برتر  
مؤلف کتب کمک آموزشی  
مبتدع متد کدگذاری روی الفبا



سیمه رحمت





در این قسمت از نشریه می‌خواهیم تعدادی از جاذبه‌های گردشگری استان زیبا و سرسبز چهارمحال و بختیاری را معرفی کنیم. با ما همراه باشید تا به گردشی به یادماندنی برویم: چهارمحال و بختیاری از استان‌های غرب ایران است که با ارتفاعی که از سطح دریا دارد، به بام ایران معروف است. مرکز این استان کوهستانی، «شهرکرد» است. این استان دارای مناطق خوش آب‌وهوا با طبیعتی بکر و چشم‌نواز است که دیدن آن‌ها می‌تواند تعطیلات خوشی را برایتان رقم بزند.





هر دیر: بالاخره سومین شماره از طنز غروب هم به چاپ رسید. پس از چاپ شماره های قبلی غروب بزرگان و سلبرتی های سراسر جهان با استفاده از پیام رسان های داخلی نظراتشان را برایمان فرستادند که خالی از لطف نیست.

حسن روحانی: بخاطر بخش غروب نشریه طلوع بودجه دانشگاه فرهنگیان را چند برابر می کنم.

تراب: به خاطر این بخش مجبورم که به میز مذاکرات برگردم.

غلامرضا کاتب: نشریه طلوع باید در گرمسار نیز به چاپ برسد، فقط به خاطر بخش غروب، وگرنه مدیر مسئول عزل می شود.

دانشجوی تدریس: حیف، اتاق نشریه را به ما ندادند، وگرنه همه طلوع را غروب می کردم.

مسعود فراتی: به نشانه اعتراض نخوانده بخش غروب نشریه تان را نقد می کنم.

## غروب

من آگه میدونم  
وزیر اینقدر توپ  
دوست داره با  
پول تو جیبی هام  
یه توپ چهل تیله  
براش میخریم.



یک دانش آموز یزدی  
در حاشیه همایش  
ملی به آقای بطحایی  
به دلیل حذف مشق  
شب، یک توپ  
پلاستیکی هدیه داد.

ولی عین  
صد در صدش  
نیز به پارتی  
داره.



روحانی:  
چهل درصد  
مشاغل در جامعه  
نیاز به تحصیلات  
دانشگاهی ندارد!

روحانی در  
رو قفل  
کرده کلیدم  
قورت داره.



موسوی لاری:  
خیالتان راحت:  
جهانگیری جایی  
فی رود!

فردوسی:

بس رنج  
بردم در این  
ساورول سی



حامد بهاون:  
لحنی که می خوانم  
شاهنامه ای است.

مدیریت  
مدارس  
دخترانه هم  
شامل میشه  
عای؟



انکار:  
۳۰ درصد از پست های  
مدیریتی در دولت  
دوازدهم در اختیار  
بانوان است.

منوچهر:  
فضای مجازی  
را فیلتر کنید همه  
مشکورت حل  
میشه.



نادر مشورکالی:  
حدود ده هزار دانش  
آموز معتاد در کشور  
وجود دارد و صد  
هزار دانش آموز در  
معرض اعتیاد هستند.





به جزوه تویه دستامه نمی‌فهمم ازش چیزی چی فکر میکردم و چی شد! چه دوران غم انگیزی

به تقویم رویه دیواره باهاش روزارو می‌شمارم تموم شه این صد و ده روز دیگه میرم پی کارم

نخند ای دوست بیا یک شب کنار من بمون بیدار بفهمی گریه‌ها دارد همین اوضاع خفت بار

ببین یک تکه نان خشک غذای هرشب و روزم تو یک ماه روزه میگیری ولی من کل سال روزم

نمی‌دونی من این سالها تو این خوابگاه چیا دیدم ببین از بس شدم لاغر شبیه چوب کبریتم

با این اوضاع وحشتناک با این ذهنی که آشوبه با این حالی که من دارم نمیرم آخرش خوبه

ببین موی سفیدم را ببین این رنگ و روی زرد جوان بودم من ای استاد ولی این نمره پیرم کرد

نشستم خندم و خندم تمومه لحظه‌ها هر دم نمی‌دونی که با جزوه چه شب‌هایی سحر کردم

تمام همتم این بود بگیرم نمره پاسی چقدر خندم که آخر تو منو با نه بندازی

به مشروطی کشاندی این مننه شاگرد ممتازو تو که انداختی یک بار بیا این بارو نندازو

آخه این چندمین ساله مننه بدبخت بیچاره نشستم تو کلاسه تو بگو این آخرین باره

بیا استاد رحمی کن فقط این بارو پاسم کن کنار این دوی خسته یه یک بگذار خلاصم کن

نمی‌دونی تو حالم رو فقط ای کاش میدیدی که با یک نمره پاسی چه احساسی به من میدی

مگر من جزو درست بودم ای داد

که جای جزوه حذف کردی استاد

به وقت درس فکری مثل یک غول

روان و ذهن من را کرده مشغول

که یونی‌های خارج در چه حال است؟

امور بچه‌ها روی روال است؟

غذای سلفشان استیک و ماهیست

پر از چاشنی و عطر و برگ شاهیست

غذای سلف ما چون عطر سازست

که با کافور و عنبر گرم بازیست

صف سلف و رزرو و گشنگی‌ها

کلاس ظهر و اوج خستگی‌ها

دانشجو خوابگاهی یعنی اسیری

چایی خوردن درون جا پنیری

هم اتاقی‌های خاکی

لباس و حوله‌های اشتراکی

بیا ای همکلاسی سخت بکوشیم

که فردا رخت عافیت بپوشیم

نه لیوانی نه بشقابی نه آبی واسه خوردن فقط یک جفت دمپایی که آن‌هم دوستان بردند

اتاقی کوچک و تاریک که شوفائش همش داغه رفیق و همدمه شب‌هام یه چن تا سوسکو قورباغه

صدای نابهنجار سگا از پشت این دیوار کنار سطل آشغال یه چن تا دونه ته‌سیگار

دو تا مهتابی کم سو به زیر سقف آویزون منم لم دادم این گوشه به روی نیمکت داغون



گر این دنیا به هر خلقی وفا کرد

به دانشجوی ایرانی جفا کرد

تو هم گر مثل من دانش بجویی

به حسن حرف من تصدیق گویی

منم دانشجوی شب امتحانی

از آن شب امتحان‌های جانی

گاهی در خوابگاه گه در خیابان

گاهی دنبال کار و لقمه‌ای نان

گذشت این ترم من هیچ نخواندم

بسی حالا درون گل بماندم

بیا ای همکلاسی یاریم کن

یه فکری هم به حال زاریم کن

ز بر کردی مباحث را تو با هوش

مگو فردا تو را یادم فراموش

تو ای استاد من رحمی به من کن

نظر بر این دل زخمی من کن

ببین دانشجویی پاک و نجیبم

درین شهر عجایب بس غریبم

اگر من در کلاست خواب بودم

برای آن‌تراک بی تاب بودم

اگرچه مبحث تو خواندنی است

کلاس هشت صبح پیچاندنی است

تمنا کردم ای استاد دل‌ها

کمی از جزوه‌ات را حذف بنما







در محیط دانشجویی، «رقابت گفتمانی»  
چیز خوبی است، در صورتی که با تحمل  
مخالف همراه باشد. از وجود مخالف نه  
باید انسان تعجب بکند، نه باید انسان  
خشمگین بشود، نه باید انسان بیمناک  
بشود؛ هیچکدام از این سه حالت در قبال  
مخالف، قابل قبول نیست.

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)